



مسئولیت سنگین ما در میدان روایت

۱- «روایت جنگ» گاهی، از خود جنگ مهم‌تر است. این روایت، هم‌زمان با آغاز جنگ‌ها، شروع می‌شوداما با پایان جنگ، پایان نمی‌یابد. اتفاقا کار اصلی رسانه و روایتگری، بعد از پایان جنگ است. رسانه‌ها، سیاستمداران، تحلیلگران، روزنامه‌نگاران و مقامات، بعد از پایان جنگ، وظیفه بزرگ‌تر و مهم‌ترشان تازه شروع می‌شود. رجزخوانی برای دشمن، برجسته کردن پیروزی‌ها، هشدار به دشمن و… از جمله محورهایی هستند که پس از پایان هر جنگی، مورد توجه قرار می‌گیرند چون، جنگی مثل آنچه بین ایران یک طرف، آمریکا، ناتو و رژیم صهیونیستی در طرف دیگر درگرفت، ممکن است دوباره از سر گرفته‌شود. دشمن موضوع، رویکردها، اظهارات و تحلیل‌ها را رصد کرده، و بعد بشود یا نه. شرایط این چنینی، مثل استراحت میان دو نیمه فوتبال است. مربیان و بازیکنان نیاز به استراحت، بررسی نقاط ضعف و قوت و در صورت لزوم، ایجاد تغییراتی را دارند. در این بین هیچ کس نقش تماشاچی و طرفداران را در پیروزی تیم، دست کم نمی‌گیرد. تماشاچیان اگر میدان خود را از دست داده و حس شکست وارد وجودشان شود، نمی‌توانند به پیروزی تیم خود کمک کنند. ایجاد و حفظ چنین روحیه‌ای در مردم در دست رسانه و روایتگر است.

۲- در جنگ ۱۲ روزه، دشمن ضرباتی زد. اما ضربات سنگین و بی‌سابقه‌ای هم خورد که اگر نخورده بود، روز سوم یا چهارم جنگ، واسطه‌ها را جلو نمی‌فرستاد. دیگر هیچ تردیدی باقی نمانده است که، دشمن در محاسباتش دچار اشتباهات مهلکی نشده بود. جمهوری اسلامی ایران در این جنگ، نقاطی را شناسایی و با دقت هدف قرار داده بود که، در محیله دشمن هم نمی‌تجنید.اما بلافاصله پس از آغاز آتش‌ش موقت، همین دشمن روی «روایت» و «سنان» متمرکز شد تا به اهدافی که در میدان واقعی جنگ نرسیده بود. در ذهن مخاطب برسد. نمایش‌های مصفکی که نتایپها و ترامپ پس از این ۱۲ روز آغاز کردند، در چارچوب همین «جنگ روایت‌ها» قرار می‌گیرد. اگر فقط یک دلیل برای اینکه بگیریم، دشمن در این جنگ دچار خطای محاسباتی شده و شکست خورد وجود داشته باشد، همین آتش بیش است که از آن قرار داریم. طرف اگر در مسیر پیروزی قرار داشته باشد، محال است تقاضای آتش‌بس دهد یا آتش‌بس پیشنهادی را بپذیرد! کار خورس و یزدان‌اثر را نگاه کنید. روسیه چون در موضع برتر قرار دارد، حرف از صلح و آتش‌بس می‌زند ولی وسط همین حرف‌ها، سنگین‌ترین حملات را به خاک اوکرین می‌کند.

۳- جریان غربگرا در ایران، پس از جنگ ۱۲ روزه، چه موضعی اتخاذ کرده است؟ روایت این جریان، روی نقاط قوت و پیروزی کشورمان متمرکز بوده یا روی نقاط ضعف؟ موضعی که اتخاذ کرده، دولت کشورها متنازع‌بود به علیه خودمان؟ پاسخ این سؤال‌ها خیلی روشن است. اتفاقا علیه جمهوری اسلامی ایران و کشور خودمان موضع گرفته و همچنان می‌گیرند. روایتشان از این جنگ، پیروزی دشمنمن و شکست جنگ بزرگ مقاومت به رهبری ایران بوده است. (به عنوان فقط یک نمونه رجوع به ششود به گزارش روزنامه جمهوری اسلامی که بازتاب زیادی در رسانه‌های عبری داشت) دشمن به صراحت اعلام کرده – هنوز هم می‌کند- که به دنبال براندازی و تجزیه ایران است. غربگرایان در ایران نیز بلافاصله پس از این ۱۲ روز از «لزم تغییر پارادایم» می‌گویند. تغییر پارادایم در یک کشور یعنی، منهدم کردن ستون و اسکلتی که ساختار سیاسی روی آن سوار است. یعنی براندازی! دشمن می‌گوید می‌خواهد ایران را با مذاکره، خلع سلاح کند، غربگراها هم می‌گویند باید مذاکره کنیم. (اینکه منظورشان از مذاکره چیست، در بند بعدی توضیح خواهیم داد) بنابراین جنگ اصلی یا همان جنگ روایت‌ها پس از آن ۱۲ روز آغاز شده و همچنان ادامه دارد.

۴- بیروز به نقل از روزنامه «فایننشال تایمز» اعلام شد، ترامپ در جریان دیدار و مذاکره با همتای اوکراینی‌اش، مجددا زلنسکی را تقویت کرده و بارها سر او فریاد کشیده است. ترامپ به او گفته، «درصد منطقه دونباس به کنترل روس‌ها درآمده است و یوتین این منطقه را می‌خواهد. این منطقه را به یوتین بده تا آتش‌بس آغاز نشود در غیر این صورت، از بین خواهید رفت. یک بار دیگر این چند خط را بر منور کنید. مدل مذاکره ترامپ برای آتش‌بس در این حملات در صورت مشخص شدن است. او به زلنسکی می‌گوید، تسلیم شو و از خبر خاک کشور تهیه کرده است زیرا همین است. او دقیقا همین فرمول را برای ایران عزیزمان پیشنهاد داده است. او از بین بردن توانایی‌های هسته‌ای، از بین بردن موشک‌ها، و رها کردن متحدان منطقه‌ای و به رسمیت شناختن رژیم کودکش صهیونیستی را خواسته است. آیا اجرای این خواسته‌ها، چیزی غیر از تسلیم شدن است؟! غربگرایان بیدار باشید، ترامپ بعد از همه قول‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران را می‌خواهدبا به زبان ساده‌تر وسط جنگ می‌گوید، سلاحت را زمین بگذار! این که، کشوری پیشاپیش به سقف خودمختاری‌اش رسیده از یک مذاکره، اعلام کند، چه معنایی دارد؟ معنای جز تسلیم؟! آیا تسلیم شدن نیاز به مذاکره دارد؟«دقیقا»از «نوع روایتی» که این طیف از این جنگ انتخاب کرده‌اند در همین جاست. کشورها زمانی تسلیم می‌شوند که، در شرایط ضعف و شکست باشند! آنها باید دشمن را قوی، و کشور خود را ضعیف و شکست‌خورده «روایت» کنند تا، تسلیم معنای «مذاکره» نباشد!

۵- بیروز زدهبر انقلاب در جریان دیدار بسا قهرمانان و مدال‌آوران ورزشی و المپیادهای علمی، تازترین روایت را از ایام پس از ۲۳ خرداد اعلام کرد. این روایت خوانندی را بخوانید و با روایت غربگرایان مقایسه کنید: «در این روزها باوه‌گویی‌هایی هم شد نسبت به این عزیزان. من‌شود ما راجع به اینها که، کلمه‌ای عرض نکنیم. رئیس‌جمهور آمریکا، این‌جور فلسطینی‌اشالی با یک مشتت حرف پوچ و با لودگی سعی کرد صهیونیست‌های مایوس را امیدوار کند، پیشان روحیه بدهد… تحلیل من از سفر رئیس‌جمهور آمریکا به داخل فلسطین اشغالی و این کارهایی که کرد و این حرف‌هایی که زد این است. اینها مایوسند… اینها در جنگ ۱۲ روزه آن چنان سسیلی خوردند که باور نمی‌کردند، توقعشان را نداشتند، مایوس شدند. این رفت تا روحیه بدهد به آنها. این رفت آنها را از یاس خارج کند. این حرف‌ها حرف‌هایی است که به مسئولین مایوس زده می‌شود، این‌جور حرف‌هایی که او زد… رئیس‌جمهور آمریکا افتخار می‌کند که صنعت هسته‌ای ایران را بمباران کردیم و از بین بردیم. خیلی خوب، به همین خیال باش…»

۶- میدان نبرد امروز، بیش از آنکه در آسمان و زمین باشد، در صحنه روزنامه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و ذهن‌های مردم است. روایتی که ما خود ارائه می‌دهیم، سلاح تعیین‌کننده این نبرد است. اگر روایت ما، روایت اقتدار، هوشمندی و پیروزی باشد، همچنان که رهبر انقلاب فرمودند، می‌توانیم با آرامش و اطمینان، دشمن مایوس را به «همین خیال» واگذار کنیم و خود، با وحدت کلمه و هوشیاری تمام، پیروزی را در این جنگ سرنوشته‌ساز را تکمیل نماییم. وظیفه مردم همه ما، از رسانه تا مردم، استمرار همان روحیه‌ای است که دشمن را در ۱۲ روزه به زانو درآورد…

جعفر بلوری

معاون حقوقی و بین‌الملل وزارت امور خارجه گفت: در این **زمان که یکجانبه‌گرایی حاکم است، سازمان بریکس و شانگهای مبتنی بر چندجانبه‌گرایی هستند و فرصتی خوب برای کشورهای مستقل محسوب می‌شوند.**

کاتلم غربی‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌الملل وزارت امور خارجه در نخستین نشست ستاد هماهنگی شانگهای و بریکس، اظهار داشت: این سازمان‌ها هرچند نوا نیستند اما ما خیلی دیر نیست است که به آنها پیوسته‌ایم. شاید دیرتر سازمان به این مشخصات کامرس که بدون اختلاف باشند ما در مجموعه بریکس و شانگهای شاهد اختلاف بودیم. اما این مشخصات نیستیم که این یک فرصت خوبی برای ایران فراهم می‌کند.

فره‌ام وی داد: پس از تجاوز رژیم صهیونیستی و آمریکا، بدون اینکه جلسه حضوری با سازمان‌های بریکس و شانگهای داشته باشیم، جلسه مجازی را برگزار شد و محکوم‌های قوی صادر شد. این برای ما و کشورهای در حال توسعه و مستقل یک فرصت ویژه فراهم می‌کند.

معاون حقوقی و بین‌الملل وزارت امور خارجه گفت: در این زمانی که یکجانبه‌گرایی حاکم است، سازمان‌ها و ترتیباتی مانند بریکس و شانگهای که مبتنی بر چندجانبه‌گرایی هستند فرصتی خوب برای کشورهای مستقل هستند و یکی از مهم‌ترین دالایی که ایران پیگیری کرد تا به عضویت این سازمان‌ها دربرآید، همین فرصت حضور در این سازمان‌ها را از وی افزود: در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تقویت ترتیبات چندجانبه جایگاه ویژه‌ای دارد و هم استفاده از ظرفیت این قبلی سازمان‌ها، بهره‌ور وقتی که با نگاه جنوب جهانی باشد لذا نباید فرصت حضور در این سازمان‌ها را از دست داد.

غربی‌آبادی عنوان کرد: اینکه می‌گوییم بخش وسیعی از تعاملات ما با رابطه با سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ناظر بر حضور ما در رویادهای اجلاس شانگهای و بریکس است، ظرفیت‌ها، حدود ۷۰ درصد از اجلاس‌هایی که دستگاه‌های داخلی

غربی‌آبادی عنوان کرد: اینکه می‌گوییم بخش وسیعی از تعاملات ما با رابطه با سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ناظر بر حضور ما در رویادهای اجلاس شانگهای و بریکس است، ظرفیت‌ها، حدود ۷۰ درصد از اجلاس‌هایی که دستگاه‌های داخلی

حمله به شمشانی

روشنگری بود با تئور شخصیت نیابتی؟!

انتشار فیلم خصوصی مربوط به مراسم ختنه آقای شمشخانی و حمله به شمشخانی به این بهانه موجب بحث‌های گسترده در فضای رسانه‌ای شد. عده‌ای با هیچان دنبال این افشکاری (برده‌ردی) دویندند و گروهی دیگر به تکه‌ها بی‌الحاظی پرداختند.

طیعا مدیران و سیاستمداران، در مرور زمان دارای کارنامه می‌شوند و بنابراین در معرض انتقاد یا حتی اعتراض قرار می‌گیرند. آقای شمشخانی هم از این قاعده مستثنا نیست، او پس از یک دوره حضور در سپاه و ارتش در دو دهه اول انقلاب، وزیر دولت فتنه خانی شد و او حضور در دولت روحانی، به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی، جایگزین سعدی جلیلی شد.

پس از این انتصاب، محمد تقی کرویی، فرزند مهدی کرویی مسئول، «انتخاب شد» شمشخانی به عنوان فردی لایق و توانمند که در دوران جنگ سابقه ارزشمندی داشته و همواره در کنار مردم و کشور بوده، هم جای تقدیر و تشکر دارد و هم امید برای رفع حصر موسوی و کرویی است.» شمشانی همچنین درباره آشوب‌انگیز سال ۱۳۸۸، با استفاده از تغییر فتنه درباره اقدام موسوی و خانی و کرویی مخالفت کرده بود.

می‌شود کارنامه و گفتار و رفتار شمشانی، این مسئولان وی را مورد نقد و انتقاد قرار دهد. بر گزار مراسم عروسی دختر وی در یک هتل مجلل، حتماً جای اعتراض دارد. تجمل، به همدلی و انسجام اجتماعی آسیب می‌زند و به دور از روح موانست است. اما انتشار تصاویر خصوصی افراد، و تعرض به حریم خصوصی آنها، شیوه خستناک یافتن و تهدید دهنی است. او در صورت درست و مشروع و هوش، نامشروع را توجیه نمی‌دند. به زبانی به بی‌اخلاقی، برده‌ردی و هرک حرم خصوصی افراد، جزو غیر انسانی‌ترین رفتارهاست که اگر راجع پیدا کند، جامعه را به سقوط می‌کشد.

مراسم عروسی فرزند شمشانی، فروردین ۱۴۰۳ بر گزار شده و رویداد جدیدی نبود که بخواهد سبزه جهمه رسانه‌ای کشود. پس چرا ناگهان سبزه شد؟ چند احتمال را به عنوان دایره‌های متداخل این توان در نظر گرفت:
انتقادمحوی سیاسی و حمایت مافیا گونه، حاشیه پردازی برای انحراف افکار عمومی از مسائل مهم کشور، و تئور شخصیت سازمان یافته ناظر بر جنگ ترکیبی خارجی.

شمشخانی از نگاه آمریکا و اسرائیل، یکی از افراد مؤثر در قبال عمل دفاعی ایران بوده است. این توانمندی، نقش کوبنده و بازدارنده در تسهیل حمله تحمیلی آن دو رژیم به ایران ایفا کرد. شمشخانی جزو سبزه‌های تئور، در شب اول حمله اسرائیل بود.

خواستگاه سیاسی او به طیف موسوم به اعتدال و اصلاحات نزدیک است. در عین حال از جایگاه دبیری شورای عالی امنیت ملی و در ماجرای عهدشکنی سه ساله ایران در او، نقش مؤثری در هماهنگی شورا با مجلس و تصویب قانون امنیت متقابل داشت. این رفتار ملی، مورد بغض روحانی و طریف و فزاید اصلاحات قرار گرفت که مدعی بودند در برابر گستاخی و تهاجم جریان‌های غرب کاری کرد. افتعال آلوده به نفوذ را می‌توان علت اصلی جرات دشمن در خیانت به مذاکرات و حمله به ایران دانست. شمشانی همچنین اخیراً گفته: «در ماجرای هواییم‌ها اوکراینی، از روحانی را از اول در جریان بود و من بلافاصله اطلاع دادم». این روایت واقعی، صیانت و پر خراش برخی مدعیان اعتدال و اصلاحات را به دنبال داشت.

در ماجرای انتشار فیلم مراسم ازدواج فرزند شمشانی و حمله بر حجم علیه آن، باید میان بازیگران رسانه‌ای و کارگردان فرق گذاشت. اعتراض خیرخواهانه و تسویه‌حساب فرمت‌طلبانه، هر دو محتمل است. اما به نظر می‌رسد اصل ماجرای انتشار فیلم، بخشی از عملیات روانی است که می‌کوشد به انسجام ملی آسیب بزند، مردم را بدمگن کند، و ضمناً این پیام را بدهد که هرکس پای دفاع از کشور بایستد، هدف تئور شخصیت و برده‌ردی قرار خواهد گرفت.

یادآور می‌شود تئورهای اعتدال و اصلاحات، انکشی‌های متفاوتی به ماجرای ارتش داشتند. روزنامه غربگرای شرق در تیترو محتوایی موهن با عنوان «حواشی» پی‌پایان علی شمشخانی/شخصیات زیر آوار حاشیه‌ها» نوشت: «دوره نام شمشخانی به صدر اخبار بازگشته. درحالی‌که افکار عمومی همچنان در گیر الماریات و پرسش‌های بی‌پاسخ درباره چگونگی نجات او از زار در جریان حمله اسرائیل است، پرونده‌ای قدیمی و پر حاشیه مربوط به مراسم ازدواج دختر وی، بار دیگر به کانون توجه عمومی بازگشته‌است. این موضوع، با انتقادهای گسترده‌ای منظر تئور پوشش، اتهامات ریاستی و سیاسی و مذهبی، و هزینه‌های گزاف مراسم همراه شده است. هر چند شرمناک با حمایت پولادین توانسته در برابر انتقادات و محامیه‌ها مقاومت کند، اما این لزوماً تضمینی برای آینده نیست. جده پیش علی قلیبی از او منتشر شد که تا تأکید می‌کند: «بعد از وقوع حادثه سقوط هواییم‌ها اوکراینی، بلافاصله به رئیس‌جمهور اطلاع دادم. وظیفه‌ای نداشتم که این خبر را به آقای طریف اعلام کنم» ادعایی که واقعاً بارنگین شد و نشان از تلاش برای یک تسویه‌حساب سیاسی جدید داشت.

اما روزنامه اعتماد، هیچه اخیر را «تئور زرد شمشانی» توصیف کرد و نوشت:

غربی‌آبادی:

بریکس و شانگهای فرصت خوبی برای کشورهای مستقل هستند

غربی‌آبادی گفت: ما باید با این سازمان‌ها تبادل هیئت، امضای تفاهمنامه، تعاملات، موافقتنامه همکاری داشته باشیم. در دوران جدید با مجموعه شورای بریکس این کار را شروع می‌کنیم. این منحصربه به بخش خصوصی هم نیست بلکه دولتی‌های باید این اقدامات بیشتری را به مرحله اجرا بگذاریم و روابط خودمان را گسترش دهیم.

غربی‌آبادی در پایان خاطرنشان کرد: حسن این دو سازمان این است که همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، خصوصی و دولتی را دربر می‌گیرد. ظرفیت‌ها بسیار گسترده است و به خاطر همین است که ما همه دستگاه‌های مختلف دولت را دربر می‌گیرد. ما بتوانیم برنامه‌ریزی خوبی داشته باشیم.

معاون حقوقی و بین‌الملل وزارت امور خارجه گفت: در این دوره‌هایی که با یکجانبه‌گرایی حاکم است، سازمان‌ها و ترتیباتی مانند بریکس و شانگهای که مبتنی بر چندجانبه‌گرایی هستند فرصتی خوب برای کشورهای مستقل هستند و یکی از مهم‌ترین دالایی که ایران پیگیری کرد تا به عضویت این سازمان‌ها دربرآید، همین فرصت حضور در این سازمان‌ها را از وی افزود: در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تقویت ترتیبات چندجانبه جایگاه ویژه‌ای دارد و هم استفاده از ظرفیت این قبلی سازمان‌ها، بهره‌ور وقتی که با نگاه جنوب جهانی باشد لذا نباید فرصت حضور در این سازمان‌ها را از دست داد.

غربی‌آبادی عنوان کرد: اینکه می‌گوییم بخش وسیعی از تعاملات ما با رابطه با سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ناظر بر حضور ما در رویادهای اجلاس شانگهای و بریکس است، ظرفیت‌ها، حدود ۷۰ درصد از اجلاس‌هایی که دستگاه‌های داخلی

غربی‌آبادی عنوان کرد: اینکه می‌گوییم بخش وسیعی از تعاملات ما با رابطه با سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ناظر بر حضور ما در رویادهای اجلاس شانگهای و بریکس است، ظرفیت‌ها، حدود ۷۰ درصد از اجلاس‌هایی که دستگاه‌های داخلی

غربی‌آبادی عنوان کرد: اینکه می‌گوییم بخش وسیعی از تعاملات ما با رابطه با سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ناظر بر حضور ما در رویادهای اجلاس شانگهای و بریکس است، ظرفیت‌ها، حدود ۷۰ درصد از اجلاس‌هایی که دستگاه‌های داخلی

ادامی است که

خبر ویژه

چرا و بعد از تئور فیزیکی توسط اسرائیل، هدف تئور دیگری قرار گرفته است؟ تاریخ عروسی متعلق به بیش از یک سال من پیش است و مشخص نیست این وییدیو با هدف نفوذ شمشخانی بوده است یا آغاز ریاست‌جمهوری حسن روحانی، شمشخانی که همواره رابطه خوبی با میانه‌روهای حامی هاشمی رفسنجانی داشت، هدف شورای عالی امنیت ملی شد... در آن مسائل سیاسی انتقالگر روده و هست. شاید در منازعه و اختلاف‌نظر سیاسی شمشخانی با روحانی یا اظهارات او دربارهٔ برجام و توافق هسته‌ای مه‌نظر با میانه‌روها ناشیام اما این موضوعات توجیهی برای تئور زرد او با انتشار تصاویری از زندگی شخصی‌اش نمی‌شود. باری‌کردن در سربازی که می‌تواند تئور دوم او باشد خالی از منطق و انصاف به نظر می‌رسد. معنایی که‌ماطوره که از تئور اول خود توسط اسرائیل جان سالم به در برده از این تئور نیز عبور نمی‌کند.

تهدید معیشت و امنیت مردم

کار همین اشرافیت دوقطبی‌ساز است

روزنامه حامی معضلات محروبان می‌گوید نباید به بحث‌های پیچوده دربارهٔ مهم‌تر بودن موشک یا مردم پرداخت. روزنامه «جمهوری اسلامی» در سرمقاله خود بدون اینکه از ظرفیت این تئور نوشت: «یکی از پیچوده‌ترین بحث‌های این کشور که عده‌ای بر سر اینکه مردم مهم‌ترند یا قدرت نظامی، به جدال و منازعه برپا دارند. علت پیچوده بودن اینست که اولاً این هر دو لازمند و ثانیاً با توجه به اینکه فلسفه وجودی قدرت نظامی امنیت است، از مردم حفاظت کند پس نباید تردید کرد که مردم مهم‌ترند. وقتی می‌توانی این محیط این چنین روشن است، چرا عده‌ای تئور، نقد و امکانات خود را جامعه را خرج جدال و منازعه درباره آن می‌کنند؟ قطعی این دلیل بحث‌ها یکی گناه اجتماعی است و همه باید از آن پرهیز نمایند. گناه بزرگ‌ترین این است که موضوعات مهمی که ارتباط مستقیم و حیاتی مردم کشور دارند بر زمین نماندند و قلم‌ها، و زبان‌ها و ذهن‌ها به جای پرداختن به آنها به سراغ موضوعاتی می‌روند که تمام ابعاد آنها از بداهت برخوردارند، این قلم‌ها و زبان‌ها باید به جای پرداختن به این موضوعات، به سراغ امور مردم بروند که با موجودیت مردم و مردم با مسئولین دارند بطوری که بی‌توجهی به آنها مردم را از حکمرانان دور می‌کند، به انسجام ملی نمی‌زند و قدرت ملی را دچار ضعف و سستی می‌کند».

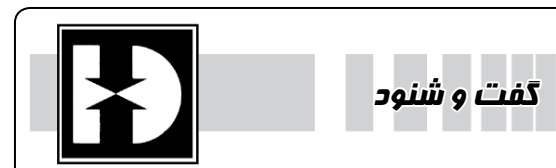
روزنامه روزگار می‌افزاید: تلاش برای کاهش فاصله مردم با حکمرانان، مهم‌ترین موضوع بر زمین مانده جامعه ماست. شاید عده‌ای مطرح ساختن اصل این‌ موضوع را به صلاح دانند یا حتی معتقد باشند فاصله‌ای میان مردم و حکمرانان وجود ندارد، این تئور است که گفته شد فاصله‌ای وجود ندارد. حتی کسانی که به این فاصله پی برده‌اند ولی معتقدند نباید این واقعیت را مطرح کرد نیز دچار توهم هستند. به احتمال زیاد، زندگی مرفه حکمرانان و جدایی آنها از مردم علت اصلی قبول نداشتن وجود فاصله میان آنها و مردم است. وقتی کسی وجود اصل فاصله را درک می‌کند، ناچار به تلاش برای برطرف کردن آن فکر کند. برخورداری از حقوق‌های نجومی، در اختیار داشتن امکانات رفاهی زندگی، استفاده از امتیازات درمانی، بی‌خبری از کار شکنی‌ها، پارتی‌بازی‌ها، بدبختی‌ها و مفاسد اداری، وجود اطرافیان قلم‌بربان‌گو و مشاهدۀ احترام قاعده در رفت‌وآمدها و سفرها به حکمرانان اجازه نمی‌دهد از مشکلات مردم باخبر شوند. البته این احتمال هم وجود دارد که این فخرات در این عادت کردن به این زندگی مرفه و تمام معنا اشرافی، رفعت احساس کردن واقعیت‌های زندگی مردم از دست داده باشند و هر قدر هم در این زمینه‌ها بشنوند نتوانند آن را درک کنند». درباره تحلیل روزنامه جمهوری اسلامی گفتنی است که اولاً پرداختن به انحرافات کلامی سیاستمداران، حتماً موضوعیت دارد، به ویژه اگر با پروژه‌های دشمنان ملت ایران برای ایجاد دوقطبی‌های جعلی هم‌آ و هم‌باقی باشد. حسن روحانی و ظرفیت و نیم همراه‌اشان، جرقه سانسرفیژیو و برنامه هسته‌ای را مقابل جرقه خاتمه مردم قرار دارند و در اسر این دوقطبی‌ها تحمیلی است سوسو دشمنان، هر دو چرخ را از حرکت بازداشتند. هم برنامه هسته‌ای تعطیل شد و هم هشت‌هزار کارخانه و بذرین کردوهای اقتصاد به ثبت رسید. این در حالی بود که شباب جرقش سانسرفیژیوها یکی از ابزارهای لازم برای توسعه و پیشرفت کشور و رونق اقتصادی است.

طیف بدسابقه، زمانی که دیپلماتی و میدان را مقابل هم بازنمایی کردند و مقدمات حمله و تخریب علیه مدافعان حرم و ملافان پیشتاخته تحمیلی ملی (امثال سیدرسن سلیمانی) را فراهم کردند. و این در حالی بود که پیروزی‌های خیرگه‌کننده میدان و دفع تهدید موجود علیه امنیت ملی، سرمایه اقتدار ملی و

باشند که دیپلماتی بود. متأسفانه در این‌جا هم امثال طرف، همان گونه دوقطبی

استخوانه که برنامه مطلوب دشمن بود. آنها همچنین قدرت دفاعی و موشکی را نقطه مقابل مذاکره و دیپلماتی وانمود می‌کردند و در تضعیف توان دفاعی بازاردند

اخبار کشور



دُبّ اکبر!

گفت: ترامپ از تظاهرات گسترده و فراگیر و چند میلیونی مردم آمریکا در اعتراض به برخورد دیکتاتورانه‌ها، فاجعه اقتصادی، جنگ‌افروزی، همراهی با اسرائیل در جنایات و نسل‌کشی و... به شدت عصبانی شده و معترضان را به یاد نازگرفته است!

گفتیم: حیوونکی چی فکر می‌کرد؟ چی شد؟! ادعا می‌کرد که می‌خواهد قدرت از دست رفته خود گرفته
آمریکا را بزرگ‌ترین قطب اقتصاد جهان کندا و...

گفت: بعد از تظاهرات فراگیر مردم آمریکا، اعلام کرده یک گروه را مأمور بررسی هزینه این تظاهرات کرده است!

گفتیم: احتمالاً دولت ایران به آنها ساندیس داده و به تظاهرات آورده است!

گفت: ادعا کرده که قاصد صلح بوده و رابطه کشورهای عربی با اسرائیل را برقرار کرده و ملت‌های عرب او را قهرمان می‌دانند!

گفتیم: سسران وابسته عرب که نوکرند و از نوکران جز مجیزگونی انتظاری نیستند ولی نظر مردم در کشورهای عربی را برایش اشتباه ترجمه کرده‌اند!

گفت: چه اشتباهی؟! می‌گوید به من لقب «هرز پز» داده‌اند!

گفتیم: اشتباهه در ترجمه همین لقب بوده است. به او گفته‌اند «دُبّ اکبر» یعنی «خرس گنده»!

سردار نقدی:

ارزش «العبدی» را ندانست. اینجا مقر اصلی فرماندهی آمریکا در منطقه است؛ آنان است. این جنگ، جنگ اسرائیل نیست، اسرائیل ابزار و عامل است، اما این «جنگ آمریکا»ست. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب در سالروز شهادت امام رضا(ع) فرمودند، اسرائیل و آمریکا جلوآفتانند و تحریک کردند به یمین نگاه کنید، آمریکا وارد شد، متحمل خسارت شد و عقب‌نشینی کرد. پنج نوا هواپیمابر آمریکا وارد دریای سرخ شدند، اما همگی آسیب دیدند و مجبور به در یک منطقه شدند، در تاریخ چنین رویدادی برای آمریکا بی‌سابقه بود.

سردار نقدی در پاسخ به این سؤال که آیا بدن باید جنگ‌های دیگر آمریکا را تهدید، تنگنای اسرائیل است، تصریح کرد: شلیک کنیم، باید بعدش بروند دوباره خط تولید موشک‌های پادفندی‌شان را راه بیندازند چون آسیب‌پذیری‌شان در این مناطق بسیار بالاست.

سردار نقدی در پاسخ به این سؤال که آیا بدن باید جنگ‌های دیگر آمریکا را تهدید، تنگنای اسرائیل است، تصریح کرد: شلیک کنیم، باید بعدش بروند دوباره خط تولید موشک‌های پادفندی‌شان را راه بیندازند چون آسیب‌پذیری‌شان در این مناطق بسیار بالاست.

تاکتیک ویژه ایران

برای مشغول کردن بداند دشمنان

سردار نقدی در پاسخ به این سؤال که آیا بدن باید جنگ‌های دیگر آمریکا را تهدید، تنگنای اسرائیل است، تصریح کرد: شلیک کنیم، باید بعدش بروند دوباره خط تولید موشک‌های پادفندی‌شان را راه بیندازند چون آسیب‌پذیری‌شان در این مناطق بسیار بالاست.

تهدید معیشت و امنیت مردم

کار همین اشرافیت دوقطبی‌ساز است

روزنامه حامی معضلات محروبان می‌گوید نباید به بحث‌های پیچوده دربارهٔ مهم‌تر بودن موشک یا مردم پرداخت. روزنامه «جمهوری اسلامی» در سرمقاله خود بدون اینکه از ظرفیت این تئور نوشت: «یکی از پیچوده‌ترین بحث‌های این کشور که عده‌ای بر سر اینکه مردم مهم‌ترند یا قدرت نظامی، به جدال و منازعه برپا دارند. علت پیچوده بودن اینست که اولاً این هر دو لازمند و ثانیاً با توجه به اینکه فلسفه وجودی قدرت نظامی امنیت است، از مردم حفاظت کند پس نباید تردید کرد که مردم مهم‌ترند. وقتی می‌توانی این محیط این چنین روشن است، چرا عده‌ای تئور، نقد و امکانات خود را جامعه را خرج جدال و منازعه درباره آن می‌کنند؟ قطعی این دلیل بحث‌ها یکی گناه اجتماعی است و همه باید از آن پرهیز نمایند. گناه بزرگ‌ترین این است که موضوعات مهمی که ارتباط مستقیم و حیاتی مردم کشور دارند بر زمین نماندند و قلم‌ها، و زبان‌ها و ذهن‌ها به جای پرداختن به آنها به سراغ موضوعاتی می‌روند که تمام ابعاد آنها از بداهت برخوردارند، این قلم‌ها و زبان‌ها باید به جای پرداختن به این موضوعات، به سراغ امور مردم بروند که با موجودیت مردم و مردم با مسئولین دارند بطوری که بی‌توجهی به آنها مردم را از حکمرانان دور می‌کند، به انسجام ملی نمی‌زند و قدرت ملی را دچار ضعف و سستی می‌کند».

روزنامه روزگار می‌افزاید: تلاش برای کاهش فاصله مردم با حکمرانان، مهم‌ترین موضوع بر زمین مانده جامعه ماست. شاید عده‌ای مطرح ساختن اصل این‌ موضوع را به صلاح دانند یا حتی معتقد باشند فاصله‌ای میان مردم و حکمرانان وجود ندارد، این تئور است که گفته شد فاصله‌ای وجود ندارد. حتی کسانی که به این فاصله پی برده‌اند ولی معتقدند نباید این واقعیت را مطرح کرد نیز دچار توهم هستند. به احتمال زیاد، زندگی مرفه حکمرانان و جدایی آنها از مردم علت اصلی قبول نداشتن وجود فاصله میان آنها و مردم است. وقتی کسی وجود اصل فاصله را درک می‌کند، ناچار به تلاش برای برطرف کردن آن فکر کند. برخورداری از حقوق‌های نجومی، در اختیار داشتن امکانات رفاهی زندگی، استفاده از امتیازات درمانی، بی‌خبری از کار شکنی‌ها، پارتی‌بازی‌ها، بدبختی‌ها و مفاسد اداری، وجود اطرافیان قلم‌بربان‌گو و مشاهدۀ احترام قاعده در رفت‌وآمدها و سفرها به حکمرانان اجازه نمی‌دهد از مشکلات مردم باخبر شوند. البته این احتمال هم وجود دارد که این فخرات در این عادت کردن به این زندگی مرفه و تمام معنا اشرافی، رفعت احساس کردن واقعیت‌های زندگی مردم از دست داده باشند و هر قدر هم در این زمینه‌ها بشنوند نتوانند آن را درک کنند». درباره تحلیل روزنامه جمهوری اسلامی گفتنی است که اولاً پرداختن به انحرافات کلامی سیاستمداران، حتماً موضوعیت دارد، به ویژه اگر با پروژه‌های دشمنان ملت ایران برای ایجاد دوقطبی‌های جعلی هم‌آ و هم‌باقی باشد. حسن روحانی و ظرفیت و نیم همراه‌اشان، جرقه سانسرفیژیو و برنامه هسته‌ای را مقابل جرقه خاتمه مردم قرار دارند و در اسر این دوقطبی‌ها تحمیلی است سوسو دشمنان، هر دو چرخ را از حرکت بازداشتند. هم برنامه هسته‌ای تعطیل شد و هم هشت‌هزار کارخانه و بذرین کردوهای اقتصاد به ثبت رسید. این در حالی بود که شباب جرقش سانسرفیژیوها یکی از ابزارهای لازم برای توسعه و پیشرفت کشور و رونق اقتصادی است.

طیف بدسابقه، زمانی که دیپلماتی و میدان را مقابل هم بازنمایی کردند و مقدمات حمله و تخریب علیه مدافعان حرم و ملافان پیشتاخته تحمیلی ملی (امثال سیدرسن سلیمانی) را فراهم کردند. و این در حالی بود که پیروزی‌های خیرگه‌کننده میدان و دفع تهدید موجود علیه امنیت ملی، سرمایه اقتدار ملی و باشند که دیپلماتی بود. متأسفانه در این‌جا هم امثال طرف، همان گونه دوقطبی استخوانه که برنامه مطلوب دشمن بود. آنها همچنین قدرت دفاعی و موشکی را نقطه مقابل مذاکره و دیپلماتی وانمود می‌کردند و در تضعیف توان دفاعی بازاردند

ارزش «العبدی» را ندانست. اینجا مقر اصلی فرماندهی آمریکا در منطقه است؛ آنان است. این جنگ، جنگ اسرائیل نیست، اسرائیل ابزار و عامل است، اما این «جنگ آمریکا»ست. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب در سالروز شهادت امام رضا(ع) فرمودند، اسرائیل و آمریکا جلوآفتانند و تحریک کردند به یمین نگاه کنید، آمریکا وارد شد، متحمل خسارت شد و عقب‌نشینی کرد. پنج نوا هواپیمابر آمریکا وارد دریای سرخ شدند، اما همگی آسیب دیدند و مجبور به در یک منطقه شدند، در تاریخ چنین رویدادی برای آمریکا بی‌سابقه بود.

سردار نقدی در پاسخ به این سؤال که آیا بدن باید جنگ‌های دیگر آمریکا را تهدید، تنگنای اسرائیل است، تصریح کرد: شلیک کنیم، باید بعدش بروند دوباره خط تولید موشک‌های پادفندی‌شان را راه بیندازند چون آسیب‌پذیری‌شان در این مناطق بسیار بالاست.

سردار نقدی در پاسخ به این سؤال که آیا بدن باید جنگ‌های دیگر آمریکا را تهدید، تنگنای اسرائیل است، تصریح کرد: شلیک کنیم، باید بعدش بروند دوباره خط تولید موشک‌های پادفندی‌شان را راه بیندازند چون آسیب‌پذیری‌شان در این مناطق بسیار بالاست.

سردار نقدی در پاسخ به این سؤال که آیا بدن باید جنگ‌های دیگر آمریکا را تهدید، تنگنای اسرائیل است، تصریح کرد: شلیک کنیم، باید بعدش بروند دوباره خط تولید موشک‌های پادفندی‌شان را راه بیندازند چون آسیب‌پذیری‌شان در این مناطق بسیار بالاست.

صفحه ۲
شنبه ۲۹ مهر ۱۴۰۴
۲۸ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ - شماره ۲۳۹۸۴



ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر ۳۳۱۱۰۶۵

«خیزش دو سال پیش غزه‌ها را باید در یک دوراهی پیچیده تصور کرد. مرگ تدریجی و تخفیرآمیز یا مقاومت عزتمندانه، یا باید ملت‌سادات، عرفات و املوان، سلاح را بر زمین گذاشت و تخفیر را برگزید یا مثل سنوار، ضیف، هنیه، و ایستاد و جنگید. تاریخ هیچ گاه هم‌مختارها، جنگلی‌ها، دلوری‌ها و... را سبزه‌تر نکرده، چرا که به درستی گفته‌اند نخل‌ها ایستاده می‌میرند.

کرامت
* کسانی که می‌گویند اگر ۱۷کتیرو توسط حماس شکل نمی‌گرفت این قدر خسارت نمی‌دیدیم به گزارش شبکه ۱۲ تلویزیون عبری بنگرند که گفت، شش روز قبل از حمله غافلگیرانه حماس در هفت اکتبر، نقشه حمله گسترده و غافلگیرانه به غزه نهایی شده بود و در واقع حماس، پیشدستی کرد.

خیبری
* اروپایی فریبکار در برجام ماند تا ایران را درباره توسعه برنامه هسته‌ای و بهره‌برداری از مزایای آن معطل نگه دارد. حال چرا عده‌ای شیفته غرب این را نمی‌فهمند باید شک کرد.

اولادی
۲۶مهرماه،که پشت سر گذاشتیم موعد پایان اعتبار قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل بود. با پایان این قطعنامه، تمامی محدودیت‌های پیشین شورای امنیت علیه ایران خاتمه یافته و کشورمان از دستور کار این شورا خارج می‌شود. در مورد انسپنیک یعنی بازگشت تحریم‌های شورای امنیت نیز باید گفت چون اجماع جهانی در آن نیست، صرفاً جنبه‌ای سیاسی و نمادین خواهد داشت و از قدرت اجرایی واقعی برخوردار نیست.

جدیدی
* اجرای عملی انسپنیک، هرچند برای ما شکننده نخواهد بود اما نمی‌توان اثرات روانی و محدودیت‌های غیرمستقیم فشارهای غرب را نادیده گرفت. به ویژه برای بخش‌هایی از تجارت ایران با برخی کشورها این فشارها می‌تواند تأثیر گذار باشد، اما سخن این است که ندان قطعنامه ۲۲۳۱ قطع شده و در شرایط فعلی دستیابی غرب به اهداف اصلی خود، از حیث اقتصادی و انرژی‌ای ایران، ممکن نیست.

قلندری
«درست زمانی که روس‌ها می‌خواهند پایان قطعنامه ۲۲۳۱ را اعلام کنند تا مکتانیمش ماشه بی‌آش شده و پایان برجام اعلام بشود، ظرفیت شروع علیه روسیه حرف‌زدن، چراغ‌عرض می‌کند! اگر دکتر ظرفیت بخواهد این موقعیت مناسب را درک نکند داندستانی کل باید در مراقبت از امنیت ملی فورا او را احضار نماید.

عابدی دارانی

«اقتدار، از مسیر ساماندهی جبهه داخلی فراهم می‌شود. طراحی کشور پس از ناکلی در جنگ و مشاهده وحدت ملت ایران، دامن زدن به تفرقه و دو صدایی است. هرکس ممکن این رفتار نماید در طرف دشمن ایستاده است.

جعفرلو
«برجام بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پیروژه جریان غرب‌گرا در ایران بود. پروژه‌ای که ده سال عمر یک ملت را بدر داند. نباید گذاشت این تجربه تاریخی مهم فراموش شود و باید به هر طرفی برای همگان درس عبرت شود.

موندی
«با پیوستن سلطنت‌طلبان به رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۲ روزه، بر افراد دیاربور هم